

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۱ اگست ۲۰۱۷

## کار دموکراتیک انقلابی و غیر انقلابی

### ترویج و تبلیغ

(۲)

برای توضیح و تشریح ماهیت جنگ استعماری طبقات حاکمه، استعمار، ماهیت جنگ کنونی، ماهیت طبقاتی دولت پوشالی، ماهیت ستمگرانه فاشیست های طالب و داعش، نقش کمونیست ها و انقلابیون، رسیدن به سوسیالیزم و... به دو نوع کار (ترویجی و تبلیغی) نیاز داریم. همین گونه برای پیوندیابی با توده ها، رسیدگی به خواست ها و آرزوهای آنی زحمتکشان که زیر تعدی و ستم اشغالگران و دولت پوشالی قرار دارند، نمی توانیم کار ترویجی و تبلیغی را فراموش کنیم؛ رعایت این دو، از وظایف کلیدی انقلابیون برای بسیج نیروهای انقلاب به شمار می رود.

مارکسیست ها ترویج و تبلیغ را جزء لاینفک مبارزه انقلابی می دانند. باقی ماندن در محافل ترویجی و پهلو نزدن به جنبش های توده ئی نمی تواند در نیل به هدف نهائی انقلابیون کمک و یاری رساند. لذا انقلابیون وظیفه دارند که: اول، اهمیت این دو کار مهم را درک نموده، به آن ارزش درخور قائل شوند. دوم، این دو را نباید خلط کنند و به بهانه «کار تبلیغی»، کار ترویجی را به طاق نسیان بسپارند و یا عکس آن به بهانه کار ترویجی، کار تبلیغی را نادیده بگیرند. سوم، نباید میان این دو دیوار چین بکشند و دو کار مجزا بدانند. چهارم، باید علیه هر نوع ترویج و تبلیغ ضد انقلابی موضع گیری کنند، قاطعانه آن را افشاء کنند و بر ترویج و تبلیغ انقلابی پافشاری و تأکید نمایند؛ و پنجم، عملاً برای ترویج و تبلیغ انقلابی دست به کار شوند و ساحه را بر تبلیغات امپریالیست ها و ایادی شان محدود و تنگ نمایند.

امپریالیست های اشغالگر، ضمن این که با بی ۵۲، تانک های مدرن و اسلحه پیشرفته کشور ما را اشغال نموده، با ظاهر فریبنده دموکراسی نیز پایه های اشغال و تجاوز را استحکام می بخشند. امپریالیست ها در کنار پیاده کردن اقتصاد بازار، ایجاد بانک های خصوصی، بنگاه های خصوصی مالی، حضور صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی؛ به حزب سازی، جامعه مدنی، انجوبازی و... نیز اقدام نموده اند. علاوه، امپریالیست ها تنها با بمباردمان و قتل و قتال و شکنجه و زندان؛ تجاوز و اشغال را عملی نمی کنند، بلکه تلاش دارند تربیون های تبلیغاتی را به شدت مدیریت کنند و به این منظور ده ها رسانه تصویری، شنیداری و چاپی را تمویل می کنند تا سیاست های غارتگرانه امپریالیستی را در اذهان توده ها تزریق نمایند. امپریالیست ها منابع غیر محدود، وسایل و امکانات فراوان را برای تبلیغ و ترویج ایدئولوژی غارتگرانه در اختیار عمال فرهنگی شان قرار داده و هر روز از طریق این تربیون

ها به سم پاشی علیه توده ها مصروف هستند. همین اکنون آژانس های خبری، اتاق های فکری، انستیتوت های تحقیق و پژوهش، تلویزیون ها، رادیوها، روزنامه ها و هفته نامه ها، برنامه های تفریحی، ورزشی، موسیقی و... از طرف سفارت های کشورهای امپریالیستی تمویل می شوند که هدف تمام آنها مدیریت اذهان توده ها است. این مؤسسات در صدد هستند تا به شکل مستقیم و غیر مستقیم، امپریالیست ها را «دوستان صمیمی» افغانستان تبلیغ کنند، بازار اقتصاد را گزینه درخور رفاه جا بزنند، دموکراسی غارتگرانه را بهترین دموکراسی قلمداد کنند و اشغال توسط امریکا و ناتو را «کمک جامعه جهانی» برای نجات از بربریت و توحش «سنت» به خورد مردم بدهند و جنگ فعلی را که یک جنگ شدیداً استعماری و استیلاگرانه است، جنگ میان «سنت» و «مدرنیته» قالب بزنند. چنانچه تذکر رفت، هدف تمام اینها زیر سیطره داشتن اذهان مردم برای تداوم تجاوز و اشغال است.

اما در این طرف، جنبش انقلابی در بخش ترویج و تبلیغ در حالت انفعال و رکود به سر می برد. جنبش ما کار ترویجی و تبلیغی را ثانوی دانسته، به آن بهای کم قائل است. ما حتی در سطح یک نهاد فرهنگی کوچک نمی توانیم برای ترویج و تبلیغ ایدئولوژی و سیاست های انقلابی کار و تلاش کنیم. دشمنان ما هر روز هزاران هزار کلمه در حمایت از اشغال به خورد توده های مردم می دهند، اما ما در مقابل در حد هیچ علیه این سمپاشی کار می کنیم. دشمنان ما تلاش دارند از طریق اتاق های فکر، رسانه ها، چاپ و ترجمه کتب، هنر، ادبیات و فرهنگ، مالک اذهان توده های فرودست شوند، اما ما برای بردن عقاید خود در میان توده های ستمدیده دچار بیماری معلولیت شده ایم، پای ما برای رفتن میان توده ها می لنگد؛ دست ما به خاطر سردی و کرختی «روزگار» در جیب های ما فرو رفته و توان نوشتن را از ما گرفته است؛ زبان ما لال شده، ما زبان توده ها را در حد هیچ می دانیم؛ همین است که نه مبلغ توانا هستیم و نه هم ترویج کننده موفق. ما از ترویج سیستماتیک و تبلیغات زنده، تبلیغاتی که بتواند توده ها را تهییج نماید، شدیداً محروم هستیم. کار ما در این عرصه ها کافی نبوده و سطح فعلی کار ما در هر دو بخش، شایسته انقلابیون نیست! از آنجائی که کار ترویجی و تبلیغی اس و بنیاد کار دموکراتیک را می سازد، انقلابیون مکلف هستند که در این راستا با انرژی بیشتر کار کنند و جبهه های تبلیغاتی امپریالیسم و اشغالگران را در محاصره تبلیغات انقلابی قرار دهند.

در شرایط کنونی، مروج (ترویج کننده) ما باید به ماهیت جنگ های استعماری و اشغالگرانه و راه مبارزه با اشغالگران و رسیدن به جامعه عاری از استعمار و استعمار بپردازد؛ این که امپریالیست ها چرا کشورهای دیگر را اشغال می کنند، چرا امپریالیست ها با بحران داخلی روبه رو می شوند و بحران داخلی را چگونه به شکل جنگ استعماری به کشورهای دیگر انتقال می دهند، چرا تقسیم مجدد جهان و انقیاد اراضی بیشتر در صدر برنامه های امپریالیستی اشغالگران قرار می گیرد، تضادهای امپریالیستی چگونه اند، در چه حالتی مطلق و چه زمانی نسبی هستند و...؛ توضیح این موارد از وظایف یک ترویج کننده انقلابی است.

مروج باید تضادهای امپریالیستی و ماهیت این تضادها را افشاء سازد، تجزیه و تحلیل کند، راه نجات از استعمار را تشریح و توضیح دهد که چگونه می توانیم ضمن این که بر امپریالیست ها فایق آئیم، طبقات حاکمه بورژوازی و ملاکان را نابود کنیم و انقلاب ملی - دموکراتیک را تا پیروزی و ایجاد جامعه سوسیالیستی رهبری کنیم؛ چگونه می توانیم تداوم دیکتاتوری پرولتاریا را تضمین کنیم و برای رسیدن به کمونیزم تلاش و مبارزه کنیم و...؛ تحلیل و تجزیه تمام اینها از کارهای یک ترویج کننده انقلابی است.

مروج باید توضیح دهد که امپریالیست ها چگونه با شعارهای فریبنده دموکراسی و حقوق بشر به کشور ما یورش آورده، چگونه خود را «جامعه جهانی» جا زده و نقش سازمان ملل متحد به حیث یک نهاد امپریالیستی برای صدور

جواز و تداوم اشغال کشور ما چگونه است. مروج ما باید علل وجودی و سیر تکامل و تحول پدیده ها را توضیح نماید و ماهیت پدیده ها را آشکار سازد که این امر، عمدتاً توسط نشرات و نوشتار و تحقیق و پژوهش صورت گرفته می تواند.<sup>۱</sup> ایده های فوق، ایده های زیادی هستند که از پیچیدگی و بصرنگی لازم برخوردار اند، فلذا فهم و درک آن به وسیله افراد زیاد صورت نخواهد گرفت. این ایده ها برای افراد کمتری توضیح و تشریح می شوند تا به ماهیت و محتوای امپریالیست ها و طبقات حاکمه که جنگ کنونی را به پیش می برند، پی ببرند و درک کنند که کدام طبقات می توانند چرخ انقلاب دموکراتیک نوین را تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن به حرکت در آورند و با واژگون ساختن ماشین قدرت طبقات استثمارگر، دولت سوسیالیستی را با دیکتاتوری پرولتاریا تداوم بخشند.

در کنار ترویج انقلابی، تبلیغ انقلابی را باید جداً رعایت نمود. ترویج و تبلیغ مکمل یکدیگر هستند. اگر نتوانیم ترویج انقلابی داشته باشیم، طبعاً تبلیغات ما بی مایه، تهی از محتوای مارکسیستی و غیر انقلابی و ارتجاعی خواهد بود. اگر نتوانیم در زمینه ترویج ماهیت پدیده ها را با تحلیل انقلابی و مارکسیستی ارزیابی و توضیح دهیم، تبلیغات نیز در پرتو ایده های انقلابی و مارکسیستی صورت نخواهد گرفت؛ از این رو لازم است که به هر دو کار (ترویجی و تبلیغی) اهمیت قائل شویم و در پرتو ترویج انقلابی، تبلیغ انقلابی انجام دهیم.<sup>۲</sup>

در شرایط کنونی کشور ما که امپریالیست ها بی محابا توده ها را می کشند، بم می ریزند، شکنجه و قتل عام می کنند، اسیر می گیرند، زندانی می سازند و تکدی و جنایات و فقر و بیماری به طور فاجعه بار افزایش می یابد، مبلغ باید میان توده ها باشد. در شرایطی که کارگران و دهقانان توسط امپریالیزم کشته می شوند، زحمتکشان به وسیله طالبان و داعشی ها سلاخی می گردند، جنایتکاران جهادی بر عفت و ناموس توده ها تجاوز می کنند، پوشالی ها دزدی و غارت و چپاول می کنند، خشونت علیه زنان به طور ننگین سیر صعودی می پیماید، توده های مردم با کمبود مواد غذایی روبرو هستند، تکالیف روانی و روحی میان توده های زحمتکش افزایش می یابد، مردم به آموزش، صحت و آب آشامیدنی دسترسی ندارند، جوانان در اوج بیکاری به سر می برند؛ فساد، واسطه، خویش خوری و رشوه جزء فرهنگ رژیم پوشالی شده و...؛ مبلغ باید علیه این بلایا بایستد و به افشای آن پرداخته، روشنگری توده ها را فراموش نکند.

در کشوری که اعتیاد ملیونی زندگی جوانان را تهدید می کند، قاچاق و غصب منابع ثروت، زندگی برزخی بیش از یک میلیون آواره داخلی و ترک کشور توسط صدها هزار افغان با پذیرفتن خطر غرق شدن در آب های مدیترانه ادامه دارد؛ مبلغ انقلابی آرام نشسته نمی تواند و تبلیغات را جزء مهم زندگی مبارزاتی خود می داند. این تبلیغات، آنچنان که لنین گفته است عمدتاً شفاهی صورت می گیرد، اما نمی توان شرایط خاص کشور را نادیده گرفته، شکل نوشتاری تبلیغات را که با زبان توده ها باید صورت بگیرد، انکار کرد.

<sup>۱</sup> عمل عمده مروج نشریات است و عمل عمده مبلغ سخنان شفاهی است (لنین).

<sup>۲</sup> «جامعه مدنی نهادهایی اند در گرو کمک مالی و گرداندگی مستقیم و غیر مستقیم امپریالیست ها مخصوصاً در کشورهای عقب مانده و ارتجاعی برای... کتمان تضادهای طبقاتی، و تطهیر ماهیت جنگ افروزان و تجاوزکارانه و استثمارگرانه امپریالیزم؛ و در افغانستان اغلب کارکنان جامعه مدنی به مثابه معاش بگیران خاص امپریالیزم موظف اند تا پیکار انقلابی مردم را تخریب و تخطئه کرده... تا با امپریالیزم ساخته، حضور آن در اینجا و غیره کشورها را به «خیر و صلاح» خود تلقی کرده و به خصوص توجه جوانان و زنان را از مسأله بنیادی - مبارزه ضد کمپرادوری و فئودالی و ضد امپریالیستی و بنیادگرانی - منحرف و آنان را با مسایل بی اهمیت یا درجه دوم سرگرم سازند»؛ این گونه فرمایشات از آدرس تشکیلی که خود با داشتن حزب قانونی، انجوها و انجمن های رسمی شبه انجونی، از فعالان خستگی ناپذیر جامعه مدنی و حداقل در یک و نیم دهه گذشته از آدرس های گوناگون، اشغال توسط امپریالیزم را ظاهراً به «خیر و صلاح» تنوریزه کرده، اما حقیقتاً از آن طریق «فند» به دست آورده باشد و سفارت های اشغالگران هر از گاهی مهماندار بخش هائی از آن در چارچوب نهادهای جامعه مدنی بوده و به نمایندگی از ۱۵۰ نهاد جامعه مدنی کشور اشغال شده در کنفرانس دوم بن «خوب» درخسیده باشد؛ مضحک، غیر صادقانه و عوامفریبانه است. این گونه فرمایشات ضمن این که مضحک و عوامفریبانه است، در عین حال بدترین و مبتذل ترین نوع ترویج و تبلیغ هم است. در عمل قهرمان پیشتان «جامعه مدنی» اما در نوشتار فعالان آن (اعضای خود) را مزدبگیر خواندن، بدترین خیانت به توده ها و آرمان های آنانست. چنین برخورد دوگانه، عوامفریبی روشن و آشکار است و عوامفریبی ها هر چه بوده می توانند، جز دوستان حقیقی توده ها. توده ها دیگر به آگاهی رسیده اند و می دانند که جریان انجونی و «جامعه مدنی» ارتش غیر مسلح اشغالگران برای تثبیت اشغال است و همین است که توده ها از این نهادها تا حد تهوع، منزجر و متنفر هستند.

مبلغ باید هر رویداد و حادثه ای را که در زندگی زحمتکشان رخ می دهد، برای افشای سیاست های غارتگرانه امپریالیستی و دولت پوشالی به کار ببندد، هیچ حادثه ای را نباید کوچک و غیر جدی تلقی کند؛ از آب آشامیدنی گرفته تا وضعیت محیط زیستی و سایر رویدادها و ستم های گوناگون دیگر. او نمی تواند بر هیچ مسأله ای چشم ببوشد و از کنار آن با خونسردی و بی تفاوتی و کرختی بگذرد. مبلغ باید با دیده های تیز و گوش های شنوا همه این مسائل را جدی بگیرد و از آن برای آگاهی و بسیج توده ها استفاده کند. مبلغ انقلابی نباید فراموش کند که تمام موارد مرتبط به زحمتکشان ولو خرد و کوچک باشند، برای او هیچ موضوعی مرتبط به توده ها خرد و کوچک بوده نمی تواند. توده های مردم از مبلغ چیزی تازه و زنده می خواهند؛ از این رو مبلغ باید بدون خستگی در میان توده ها و در میان آنان فعال باشد. در حالی که امپریالیست ها و آنانی که به عبودیت اشغالگران تن داده اند، روزانه هزاران کلمه برای دفاع از اشغال و اسارت تحویل می دهند، باید از هر فرصت استفاده کند و «ملموس ترین مسایل توده ها، مسایلی که حکم ماده منفجره را دارند و مستقیماً به وسیله توده ها قابل فهم می باشند» برای تبلیغات خود مورد استفاده قرار دهد.<sup>3</sup> مبلغ ایده های کمتر را به افراد زیاد (کثله های وسیع توده ها) می رساند، توضیح می دهد و تلاش دارد احساسات توده ها را علیه اشغالگران و رژیم پوشالی برانگیزد. برانگیختن نفرت و انزجار توده ها در مقابل اشغالگران و دولت پوشالی و نهادهای مرتبط به امپریالیزم (جامعه مدنی، انجوها و نهادهای سرکاری)، کار مبلغ است. وظیفه مبلغ است تا به بلند بردن سطح آگاهی توده ها کمک کند و انزجار و نفرت توده ها را به مبارزه سیاسی تبدیل نماید.

---

<sup>3</sup> ترویج بیشتر و تبلیغ بیشتر، ای. میشر، ترجمه از اسناد کمینترن